کاظم دارابی، تروریست زندانی حکومت اسلامی آزاد شد؟!

بهرام رحمانی
bamdadpress@ownit.nu

کاظم دارابی، مامور تروریستی حکومت اسلامی ایران و عباس راحیل تروریست شیعه تبعه لبنان که چهار تن از فعالین سیاسی اپوزیسیون ایران را پانزده سال پیش در رستوران میکونوس برلین به گلوله بستند و آن ها را به قتل رساندند، پس از گذراندن یک دوره زندان 15 ساله، آزاد شدند. مطبوعات آلمان نوشته اند که به احتمال زیاد، عباس راحیل روز جمعه گذشته از زندان آزاد و بلافاصله آلمان را ترک گفت. دارابی نیز بامداد روز دوشنبه 19 آذر 1386 برابر با 10 دسامبر 2007 آزاد گردید و ساعاتی بعد وارد تهران شد.
به گزارش خبرگزاری های ایران، دارابی تروریست هنگام ورود به تهران، از سوی علی باقری معاون وزیر خارجه در امور اروپا و آمریکا، در فرودگاه مورد استقبال کرد.
باقری، سرپرست معاونت اروپای وزارت خارجه حکومت تروریستی اسلامی، هنگام استقبال از دارابی در فرودگاه مهرآباد، بی شرمانه و وقیحانه خطاب به خبرگزاری ها ادعا کرد: «در این مسئله مهم آن بود که دارابی بی گناه و بدون ارتکاب جرمی دستگیر و برای او حکم حبس ابد صادر شد.»
باقری، همچنین به دولت و سیستم قضایی آلمان انتقاد کرد که نسبت به وضع خانواده کاظم دارابی در مدت پانزده سال گذشته بی توجه بوده اند. به گفته باقری، «این یکی از موارد اسفناک در این پرونده است.»
هنگام ورود دارابی به فرودگاه تهران، مسئولین حکومت اسلامی، یک نشست خبری برای او ترتیب داده بودند. دارابی در این نشست خبری، در پاسخ به سئوالی در خصوص این که قبل از دستگیری چه سمتی داشت؟ گفت: موقعی که دستگیر شدم هیچ سمتی در هیچ تشکیلاتی نداشتم و فقط عضو اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا بودم. وی افزود: یکی‌از مسایلی که باعث دستگیری من شد، این بود که با بچه های مسلمان اعم از ترك، عرب و لبنانی تماس داشتم. وی، در ادامه تاکید کرد: سمت هایی که بعدا در حکم دادستانی و حکم دادگاه به من نسبت دادند، کاملا ساختگی بود.



کاظم دارابی در نشست مطبوعاتی در فرودگاه مهرآباد

دارابی که فارسی را با لهجه عربی صحبت می‌کرد، در پاسخ به این سئوال که آیا او یك عرب است؟ گفت: من اهل کازرون و ایرانی الاصل هستم و به دلیل این که همسرم لبنانی است و مدت زیادی با او کاملا عربی صحبت کرده ام و نیز به خاطر اقامت طولانی در آلمان، شاید این مسایل در لهجه من تغییر ایجاد کرده است... دارابی، گفته است که در نظر دارد با انتشار کتابی، علیه دستگاه قضایی آلمان دست به افشاگری بزند و بی گناهی خود در ماجرای میکونوس را ثابت کند. دارابی، که گفته می شود 43 سال دارد، در فرودگاه تهران، از تلاش مقامات حکومت اسلامی، به خصوص وزارت خارجه برای آزادی خود تقدیر و قدردانی کرد.
خبرگزاری ایرنا، در گزارش ورود دارابی به تهران نوشت، علت محکومیت این شهروند جمهوری اسلامی و سه شهروند لبنانی صرفا حضور در محل وقوع حادثه و مطلع بودن از آن بوده است. دارابیT گفته است که یکی از دلایل بازداشت او عضویت در اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا بوده و تاکید کرده که هرگز عضو وزارت اطلاعات یا تشکیلات دیگر جمهوری اسلامی نبوده و این اتهام بر اساس گزارش یک موسسه بریتانیایی وارد پرونده شد.
سایت اینترنتی آفتاب حکومتی اسلامی نیز روز سه شنبه 20 آذر 1386، درباره آزادی دارابی، نوشت: موضوع آزادی دارابی از چند ماه پیش و به هنگام سفر علاءالدین بروجردی، رییس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به برلین، در محافل رسانه ای آلمان مطرح شده بود. برخی مقامات رژیم صهیونیستی و عناصر ضدانقلاب مقیم آلمان، مخالفت خود را با آزادی دارابی اعلام کرده بودند.
استقبال باقری، سرپرست معاونت اروپای وزارت خارجه حکومت اسلامی و دیگر مقامات این حکومت در فرودگاه از دارابی، و برگزاری نشست مطبوعاتی برای او، این واقعیت را نشان می دهند که دارابی یک

عنصر مهم اطلاعاتی برای حکومت اسلامی است. اما خود دارابی و همچنین مقامات حکومت اسلامی، از یک سو با بی شرمی سازمان دهی و ترور میکونوس را انکار می کنند و از سوی دیگر، بر عدم عضویت دارابی در ارگان های امنیتی و جاسوسی و سپاه پاسداران، این ارگان های سرکوب و ترور و وحشت تاکید دارند، در حالی که مقامات رسمی حکومت اسلامی در فرودگاه مهرآباد، از او به عنوان یک «قهرمان» و یک «مقام مهم حکومتی» استقبال می کنند؟!

صادق شرفکندی، دبیرکل وقت حزب دمکرات کردستان ایران و فتاح عبدلی و همایون اردلان از کادرهای این حزب و نورمحمد پور دهکردی، فعال سیاسی منفرد در ماه سپتامبر سال 1992، در رستوران میکونوس در شهر برلین آلمان، هدف سوء قصد قرار گرفتند و به ضرب گلوله از پای در آمدند.
در سال 1997، دادگاهی در آلمان، کاظم دارابی را که در زمان وقوع قتل به عنوان دانشجو و عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در آلمان اقامت داشت، همراه با عباس راحیل، شهروند لبنانی، به جرم دست داشتن در این ترور به حبس ابد محکوم کرد. کاظم دارابی قبل از صدور حکم محکومیت به مدت پنج سال در زندان بود. دو شهروند دیگر لبنانی نیز به جرم همدستی با متهمان اصلی به دوره های کوتاه تر حبس محکوم شدند.
دادستانی آلمان، دارابی را از اعضای وزارت اطلاعات و نیروهای ویژه سپاه پاسداران معرفی کرد و گفت که ترور رهبران کرد به دستور مقامات امنیتی حکومت اسلامی صورت گرفت.

دولت آلمان، در حالی آدمکشان حکومت اسلامی را از زندان آزاد کرد که رقابت و کشمکش بر سر بحران اتمی حکومت اسلامی پس از انتشار گزارش اطلاعاتی دولت آمریکا بین دولت های غرب با حکومت اسلامی و در راس همه دولت آمریکا کمی فروکش پیدا کرده است، از وی دیگر، امروز 11 دسامبر 2007 نیز محمود احمدی نژاد، رییس جمهوری ایران با «مثبت» خواندن گزارش اطلاعاتی اخیر آمریکا درباره برنامه هسته ای ایران، گفت که اگر آمریکا «یکی دو گام مثبت دیگر نشان دهد، راه برای تعامل باز خواهد شد.» رییس جمهوری ایران که در یک کنفرانس خبری سخن می گفت، تاکید کرد: «پیشنهاد مذاکره رو در رو و بدون پیش شرط با رییس جمهوری آمریکا در حضور رسانه ها، کماکان روز میز ما است.»، همه این وقایع نشان دهنده یک سازش بزرگ بین حکومت اسلامی و دولت های غرب و در راس همه آمریکا است.
بنابراین، آزادی دارابی را نیز احتمالا می توان در چارچوب و روند این سازش مورد بررسی قرار داد.
از سوی دیگر، در شرایطی که حکومت اسلامی، در طول یک هفته حدود سی تن از فعالین جنبش دانشجویی را دستگیر و زندانی کرده است؛ در حالی که حکومت اسلامی، طناب های دار خود را در میادین شهرها بر گردن جوانان می اندازد و آخرین نمونه نیز چند روز پیش جوانی را در زندان کرمانشاه به جوخه های مرگ سپردند؛ در حالی که اوباشان و قداره بندان رسمی و غیررسمی حکومت اسلامی براساس طرح های غیرانسانی «مبارزه» با «بدحجابی» و «مبارزه» با «اراذل و اوباش» در خیابان ها به شیوه های وحشیانه ای به زنان و جوانان یورش می برند و با ضرب و شتم آن ها را زندانی می کنند؛ در حالی که ماموران امنیتی حکومت اسلامی در زندان سنندج، محمود صالحی، این چهره سرشناس جنبش کارگری ایران را که به شدت مریض است مورد ضرب و شتم قرار می دهند و تهدید به مرگ می نمایند؛ در حالی که فعالین جنبش زنان را یکی پس از دیگر زندانی می کنند و سرانجام در سالگرد ترور پوینده و مختاری و ...، دولت آلمان، در پشت پرده با حکومت اسلامی معامله می کند و به دلایل اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک تروریست ها را از زندان آزاد می کند، بار دیگر ریاکاری دولت های به اصطلاح دمکراتیک غرب و در این مورد دولت آلمان را بیش از پیش به نمایش می گذارد. این مسئله آشکارا نشان می دهد که هیچ کدام از دولت های به اصطلاح غرب دلشان به حال و روز مردم ایران و یا مردم نقاط دیگر جهان نسوخته و کاری به جنایات دولت های دیکتاتوری بر علیه بشریت، هم چون حکومت اسلامی و تروریسم رسمی و علنی این حکومت در داخل و خارج کشور بر علیه فعالین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایرانی ندارند. هدف آن ها با برجسته کردن پرونده اتمی این حکومت، جز این که جلو زیاده روی های حکومت اسلامی که به گروه های اسلامی مسلح یاری می رساند و از این طریق در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت می کند را بگیرند؛ همچنین سران این حکومت را نیز در پیاده کردن سیاست های خود در خاورمیانه با خود همراه سازند، هدف دیگری ندارند. آن جایی هم که از نقض حقوق بشر و عدم آزادی و دمکراسی در ایران، سخن به میان می آورند فقط برای تحت فشار گذاشتن حکومت اسلامی برای دست کشیدن از زیاده روی های آن در حمایت از حزب الله و گروه های اسلامی در منطقه خاورمیانه و به ویژه لبنان و فلسطین و عراق است. از این رو، در این دوره بسیار مهم است که کارگران، زنان، دانشجویان و مردم تحت ستم و آزادی خواه ایران به قدرت عظیم طبقاتی خود در مبارزه علیه حکومت اسلامی و حمایت و همبستگی هم طبقه ای های خود در جهان اتکا کنند و هیچ توهمی هم نباید به دولت هایی که فقط به فکر منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود و بقای حکومت شان هستند و در تاریخ نیز نشان داده اند که ظرفیت و پتانسیل فوق العاده ای برای راه انداختن درگیری های ملی و مذهبی و پاک سازی ملی و جنگ های خونینی دارند، دم زدنشان از دمکراسی و آزادی خواهی و دفاع از حقوق بشر اسم رمز رقابت هایشان است نه به معنای واقعی دفاع از منافع مردم محروم و آزادی خواه و تحت ستم.
سیاست های آن بخش از شخصیت ها و جریانات اپوزیسیون ایرانی که به مردم وعده داده بودند منتظر «دمکراسی» اهدایی آمریکا در ایران و یا «انقلاب مخملی» آن در این کشور باشند اکنون با نزدیکی دولت آمریکا و حکومت اسلامی دچار بحران و تلاشی و سرگیجه سیاسی شده اند را هر چه بیش تر باید افشا کرد تا با توهم پراکنی خاک در چشم جامعه نپاشند.

شایان ذکر است که قبل از این، در برخی گزارش ها آمده بود که دولت آلمان، به خاطر داد و ستدهای گسترده ای که با حکومت اسلامی ایران دارد، به گسترش تحریم ها و مجازات های اقتصادی علیه آن حکومت به خاطر ادامه برنامه های اتمی اشتیاق چندانی نشان نمی دهد و شاید برای خوش آمد حکومت اسلامی و حفظ مناسبات گسترده بازرگانی خود، تروریست های حکومت اسلامی را آزاد کند.
ده سال پیش در اوج دادگاه میکونوس، حتی کلیه کشورهای اتحادیه اروپا، سفرای خود را از تهران فراخواندند و روابط ایران با اروپا تا مدتی دچار بحران شد.

بیستم آذر 1386 - یازدهم دسامبر 2007

***

آنچه که در زیر ملاحظه می کنید واقعه «میکونوس» به نقل از کتاب «افسانه جامعه مدنی» است.

سابقه تروریسم رژیم جمهوری اسلامی ایران

روز پنج شنبه دهم آوریل 1997، رسانه های گروهی جهان حکم نهائی دادگاه برلین، مشهور به «دادگاه میکونوس» را منتشر ساختند. این دادگاه از 17 سپتامبر 1992 بعد از ترور چهار تن از اعضای اپوزیسیون، که در رستوران میکونوس به وقوع پیوست، کار تحقیق و بازرسی، پیرامون تروریسم رژیم جمهوری اسلامی را آغاز کرده بود. چهار نفر از عاملین ترور که به دستور مقامات رژیم جمهوری اسلامی، دست به این جنایت زده بودند، توسط پلیس آلمان دستگیر و تحت محاکمه قرار گرفتند. رهبری اصلی این گروه تروریستی را شخصی به اسم «سید هاشمی» با نام مستعار «شریف» به عهده داشته که موفق به فرار می گردد. وی مستقیما در عملیات ترور شرکت داشت.
علی رغم این که کار تحقیق و بازپرسی دادگاه برلین نزدیك به چهار سال و نیم طول کشید و در 247 فقره جلسه، نزدیك به 170 شاهد خارجی و ایرانی، مورد بازپرسی قرار گرفت؛ دادستان رسما اعلام کرد که دستور قتل چهار تن از اعضای اپوزیسون، مستقیما از سوی مقامات رسمی دولت ایران در «کمیته عملیات ویژه» صادر گردیده است. در این کمیته از جمله خامنه‌ای رهبر، رفسنجانی رئیس جمهور، فلاحیان وزیر اطلاعات و ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی، عضویت دارند.
دادگاه برلین، کاظم دارابی عضو وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را که تمام مقدمات افرادی را که در عملیات ترور شرکت داشتند فراهم کرده بود و عباس راحیل، تروریست لبنانی از عوامل جمهوری اسلامی را به حبس ابد و یوسف امین و محمد ادریس، دو تروریست دیگر را که هر دو لبنانی هستند به ترتیب به 11 سال و 5 سال و سه ماه زندان، به اتهام ترور چهار مخالف جمهوری اسلامی در برلین محکوم ساخت.
بنا به اظهار دادستان آلمان، اسلحه ای که در این ترور به کار رفته از نوع «لاماسوسیال» است که در سال 1972 از طرف اسپانیا به ارتش حکومت وقت سلطنتی ایران فروخته شده بود. صدا خفه کنی که برای این اسلحه به کار رفته، از نوع صدا خفه کنی است که در رابطه با ترور غلام کشاورز (بهمن جوادی) به کار گرفته شده بود. لازم به یادآوری است که غلام کشاورز، از کادرهای سرشناس حزب کمونیست ایران و کومه له، روز سه شنبه 26 اوت 1989 در شهر لارنکای قبرس، در مقابل چشمان مادر، برادر و همسرش، مورد سوء قصد تروریست های جمهوری اسلامی قرار گرفت و ساعت 6 صبح روز بعد در بیمارستان جان سپرد. غلام پناهنده سیاسی در سوئد بود که پس از سال ها دوری از خانواده خود به عشق و امید ملاقات مادر و بستگانش به قبرس سفر کرده بود.

ادامه «سیاست دیالوگ انتقادی» دول غرب

مسلما اعلام نتیجه دادگاه برلین، مبنی بر محکومیت رهبران عالی‌رتبه جمهوری اسلامی به عنوان تروریسم، آن دولت را در نزد افکار عمومی مردم جهان بیش تر رسوا ساخته و زمینه مبارزه مساعدی را برای فعالیت اپوزیسیون علیه رژیم جمهوری اسلامی به وجود آورده است.
اما دولت های غرب و به ویژه دولت آلمان چه در طول چهار سال و نیمی که تحقیقات دادگاه در جریان بود و چه بعد از محکومیت سران رژیم اسلامی، حاضر نیستند که «سیاست دیالوگ انتقادی» خود با رژیم تروریستی اسلامی را تغییر دهند و یا از آن دست بردارند. چرا که روابط بسیار نزدیك اقتصادی و سیاسی و اطلاعاتی دولت آلمان با جمهوری اسلامی، عملا شرائطی را به وجود آورده بود که جمهوری اسلامی با خیال راحت بیش ترین امکانات خود را برای سازمان دادن تعقیب و تهدید و ترور فعالین اپوزیسیون، نه تنها در خاك آلمان، بلکه در کلیه کشورهای غرب را نیز در آلمان مستقر نماید. علاوه بر آن سازمان اطلاعات و امنیت آلمان، سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران را مجهز به دستگاه های پیشرفته جاسوسی و تروریستی نموده و متخصصین سازمان های امنیتی آلمان، افراد سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را در آلمان و ایران آموزش داده‌اند.

عکس العمل سران رژیم اسلامی در مقابل اعلام نتایج دادگاه برلین

به دنبال اعلام نتایج دادگاه برلین، رئیس جمهور وقت ایران هاشمی رفسنجانی، در عکس العمل خود نسبت به صدور حکم دادگاه برلین، طی سخنرانی در نماز جمعه تهران گفت: «رای دادگاه میکونوس، یك فضاحت تاریخی برای دستگاه قضائی آلمان است.» فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت نیز بار دیگر بر سیاست های تروریستی دولت خود تاکید کرد و افزود مخالفین دولت را در همه نقاط جهان تعقیب کرده و آنان را به سزای اعمال خود خواهند رساند. همچنین خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی، اظهار نمود که به سفیر آلمان اجازه بازگشت به ایران داده نخواهد شد. رژیم اسلامی اعلام کرد، 24 شرکت آلمانی را به خاطر فروش سلاح های شیمیائی به عراق در دوران جنگ 8 ساله بین ایران و عراق، به دادگاه خواهد کشاند.

نشست وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا

15 کشور عضو اتحادیه اروپا، سفرای خود را برای «مشورت» از تهران فرا خواندند. وزرای خارجه این اتحادیه در نشست 29 آوریل خود، ادامه روابط خود با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. نتایج این نشست چیزی نبود جز این‌که یك بار دیگر اشتراك منافع استراتژیك دول غرب را با این رژیم تروریستی و جنایتکار جلو چشم مردم جهان قرار دهد. اگر بیش از چهار سال طول کشید تا دستگاه قضائی یك کشور غربی، گوشه کوچکی از سال‌ها آدمکشی و ترور دولت جمهوری اسلامی را رسما اعلام نماید اما چند هفته بیش‌تر طول نکشید دولت‌های اروپائی اعلام کنند که در روابط خود با این دولت چندان تغییری نخواهند داد. مگر این‌که آنان تنها اعمال محدودیت‌هائی را بر سفر مقامات دولت جمهوری اسلامی، به این کشورها منظور دارند. همچنین به سفیران احضار شدهٔ خود «اجازه» دادند به تهران باز گردند !

دولت‌های اتحادیه اروپا، حتا سطح روابط دیپلماتیك خود با جمهوری اسلامی را پائین نیاوردند. فراتر از آن دولت‌های ایتالیا و یونان به فراخوان اتحادیه اروپا اهمیت ندادند. در حالی که در این نشست وزرای امور خارجه آلمان و فرانسه، مبنی بر ادامه سیاست «سیاست دیالوگ انتقادی» و همکاری‌های تجاری و سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی تاکید کردند.

اگر رژیم جمهوری اسلامی، علی رغم 20 سال کشتار و خونریزی، زندان و شکنجه و اعدام، زن ستیزی و تروریسم، هنوز هم در نزد دول غرب، ارزش و اعتباری دارد بر عکس در نزد مردم آزادي خواه و مساوات طلب جهان، بی ارزش و بی آبرو و به شدت مورد انزجار است. حقیقت امر این است که تروریسم رژیم جمهوری اسلامی در خارج، ادامه همان سیاست ارتجاعی و جنایتکارانه ای است که در داخل ایران دنبال می شود.

واضح است که تروریسم و جنایات رژیم جمهوری اسلامی، از همان سال های اول قدرت گیری اش آغاز گردید که تاکنون نیز ادامه دارد. محکومیت سران جمهوری اسلامی، در دادگاه برلین گام مهمی بر علیه این رژیم بود. اما هرگز نباید این توهم به وجود آید که تروریسم جمهوری اسلامی، چیز ناشناخته ای بود که بعد از دادگاه میکونوس دول غرب آن را کشف کردند. اگر به آرشیو سازمان های اطلاعاتی و امنیتی این دولت ها مراجعه شود قطعا انبوهی از اسناد و مدارك وجود دارد که سابقه تروریسم جمهوری اسلامی را بالغ بر هزاران صفحه، نشان می دهد.

دولت هائی از قبیل دولت فرانسه و اتریش، نه تنها چشم خود را بر فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی بستند بلکه آن جا هم که تروریست ها دستگیر شدند آنان، به بهانه مصالح «ملی» آزاد نموده و روانه تهران کردند. دولت های دیگر مانند دولت سوئد، ترور عفت قاضی را در «وستروس»، «کامران هدایتی» را در استکهلم، غلام کشاورز را در قبرس یا دنبال نکردند و یا نتایج تحقیق خود را به اطلاع افکار عمومی نرساندند که مبادا رابطه اقتصادی و سیاسی‌شان با جمهوری اسلامی، خدشه دار شود.

نگارنده کتابی را در ماه مه 1993 به نام «مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت‌های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران» منتشر ساخته است که در آن از جمله فعالیت های تروریستی رژیم بر علیه اپوزیسیون، سلمان رشدی و ناشرین کتاب وی، آموزش تروریست ها، دخالت ارتجاعی در امور داخلی کشورهای دیگر و تقویت جریانات مذهبی فاشیستی و تروریستی در سطح بین المللی با اسناد زنده ای مورد افشاگری قرار گرفته است.

در صفحه 126 این کتاب آمده است: «طبق ضوابط و مقررات سازمان تروریستی جمهوری اسلامی، هیچ تروریستی حق ندارد بدون کسب اجازهٔ مقامات و فرماندهان پلیس مخفی دولت، مقامات بلندپایه شورای امنیت جمهوری اسلامی که متشکل از ریاست جمهوری، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و امنیت و... است در نشست خود اطلاعات کسب شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند و دستور ترور فرد یا افرادی را صادر می کنند و برای اجرا اقدامات لازم را تدارك می بینند. بخشی از اقدامات به عهده سفارتخانه های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف است. مسؤلین سفارت، عملیات شناسائی، تهیه پاسپورت، مسکن، اسلحه، مواد منفجره، وسیله نقلیه، بلیت هواپیما و اتوبوس و... را از قبل مهیا می سازند و تروریستی که قرار است قربانی خود را به قتل برساند به آن کشور اعزام می شود و با راهنمائی مسؤلین سفارت و عوامل آنان، عملیات ترور را انجام می‌دهد و به محل مورد نظر بر می‌گردد.» (16) (16- مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت‌های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران، نویسنده: بهرام رحمانی، چاپ اول مه 1993، ص 126)

* برگرفته از کتاب «افسانه جامعه مدنی»، نویسنده: بهرام رحمانی، ناشر: انتشارت فروغ، چاپ: چاپخانه مرتضوی، کلن، چاپ اول: پاییز 1380، صص 324 تا 329.